

A Critical Review on the Book **“*Principles of Parthian History*”**

Farshid Naderi*

Abstract

Our awareness of Parthian Iran has been growing in recent decades. The concise but prolific book "*Principles of Parthian History*" by German archaeologist Klaus Schipmann was published in 1980. The main issue of this article is the content and form critique of the book and the views of its author. The book is reviewed based on analytical and critical methods. The chapter on political history, especially its political and legal analysis in the report on relations between Rome and Iran, is one of the brilliant chapters and a turning point of the book. The annoying tightness of the social, artistic, and economic sectors and the author's refusal to provide additional information and explanations are among the book's weaknesses. Other shortcomings of the book include the lack of images, the lack of related maps, and the author's refusal to provide excerpts from the text of coins, inscriptions, and written sources. The book has a high-quality typeface, page layout, and binding. In the field of translation, in addition to the difficult and sometimes formal prose of the translator and some errors in the names of the persons, some vague equations as well as the incorrect chronology of events, the book receives an acceptable score.

Keywords: Klaus Shipman, Principles of Parthian History, Parthian, Political History of Parthians, Parthian Art and Culture.

* Associate Professor, Ancient History of Iran, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran,
f.naderi@scu.ac.ir

Date received: 12/09/2021, Date of acceptance: 22/01/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتاب مبانی تاریخ پارتیان در بوته نقد

فرشید نادری*

چکیده

آگاهی‌های ما درباره ایران اشکانی در دهه‌های اخیر رو به فزونی است. کتاب فشرده، اما پر بار «مبانی تاریخ پارتیان»، نوشته کلاوس شیپمان، باستان‌شناس آلمانی در سال ۱۹۸۰ منتشر گردید. مسأله اساسی این جستار، نقد محتوایی و شکلی کتاب و دیدگاه‌های نویسنده آن است. بررسی کتاب بر اساس روش تحلیلی و انتقادی صورت گرفته است. فصل مربوط به تاریخ سیاسی، به ویژه تحلیل‌های سیاسی و حقوقی آن در گزارش مناسبات میان روم و ایران، از فصل‌های درخشان و نقطه عطف کتاب محسوب می‌شود. تلاش نویسنده در پاس‌داشت میراث فرهنگی اشکانیان و معرفی جایگاه واقعی آنان در چارچوب تاریخ باستانی ایران از دیگر نکات برجسته اثر شیپمان است. فشرده‌گی آزردهنده بخش‌های اجتماعی، هنری و اقتصادی و خودداری نویسنده در ارائه آگاهی‌ها و توضیحات تکمیلی از نقاط ضعف کتاب به شمار می‌رود. همچنین از دیگر کاستی‌های کتاب، باید به فقدان تصاویر، کمبود نقشه‌های مرتبط و نیز خودداری نویسنده از ارائه گزیده‌هایی از متن سکه‌ها، کتیبه‌ها و منابع مکتوب اشاره کرد. کتاب از حروف چینی، صفحه‌آرایی و صحافی با کیفیتی برخوردار است. در زمینه ترجمه، گذشته از نثر دشوار و گاه رسمی مترجم و برخی اشتباهات در نام اشخاص، برخی معادل‌یابی‌های مبهم و نیز سالشمار نادرست رویدادها، کتاب، نمره قابل قبولی را دریافت می‌کند.

کلیدواژه‌ها: ایران باستان، اشکانیان، تک‌نگاری، نقد کتاب، نقد محتوایی، نقد شکلی.

* استادیار تاریخ ایران باستان، عضو هیات علمی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران،

f.naderi@scu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۲



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

تاریخ و فرهنگ ایران اشکانی از دوره‌های کمتر شناخته‌شده تاریخ ایران باستان به‌شمار می‌رود. ناچیز شمردن تاریخ و هنر اشکانی و کم‌توجهی باستان‌شناسان به لایه‌های اشکانی در کاهش آثار پژوهشی در این حوزه نقش موثری داشته است. چیرگی و تداوم دیدگاه‌هایی مانند گسست فرهنگی در زمینه سنت‌های ایرانی و مبحث جنجالی «یونانی‌مآبی»، تا مدت‌ها اشکانیان را از کانون توجه مورخان، باستان‌شناسان و محققین خارج کرد. بنابراین دوره اشکانی نه به عنوان تداوم جریان مستمر فرهنگی تاریخ ایران، بلکه به عنوان میان‌پرده‌ای در توالی دودمان‌های شاهی در چارچوب تاریخ ایران پیش از اسلام همراه با دیدگاهی بدبینانه تلقی می‌شد (Widengren, ۱۹۸۷: ۴۳۷). با وجود این، گذشته از معدود دیدگاه‌های منصفانه پیشین، در دهه‌های اخیر با آغاز انتشار برخی آثار متفاوت، مکتب نوینی در پژوهش‌های ایران اشکانی شکل گرفت و برخی دیدگاه‌های بدبینانه، مورد بازنگری اساسی قرار گرفت (درباره نقش آغازگر و جریان‌ساز ولسکی در این زمینه نک: نادری، ۱۳۹۷ ب). در این رویکرد، در دوره اشکانی نه تنها شاهد گسست فرهنگی و انزوای سنت‌های ایرانی نیستیم، بلکه در بسیاری از این موارد، ساسانیان، میراث‌خوار اشکانیان به‌شمار می‌آیند (نک: سرخوش کرتیس، ۱۳۹۲؛ ولسکی، ۱۳۸۳؛ ولسکی، ۱۳۸۸؛ شکوری فر و نصرالله‌زاده، ۱۳۹۵؛ زرین‌کوب و نادری، ۱۳۹۳). کتاب مبانی تاریخ پارتیان، در راستای تاکید بر همین دیدگاه منتشر شده است. کتاب حاضر، می‌تواند به عنوان یک درس‌نامه برای دانشجویان مورد توجه قرار گیرد. در این جستار، تلاش می‌شود تنها به کلیاتی در معرفی کتاب بسنده نشود و محتوای اثر با رویکردی انتقادی و تحلیلی در بوتۀ نقد قرار گیرد.

۲. پیشینه تحقیق

تاکنون مقاله مستقلی درباره معرفی انتقادی کتاب شیپمان در زبان فارسی نگاشته نشده است. تنها می‌توان به یادداشت کوتاهی اشاره کرد که به اهمیت کتاب اشاره کرده است (طبری، ۱۳۸۵: ۵۵-۵۳). دو یادداشت انتقادی کوتاه نیز به زبان آلمانی به فاصله سه و هفت سال پس از انتشار کتاب به قلم دو تن از ایران‌شناسان برجسته منتشر شده است.

کتاب مبانی تاریخ پارتیان در بوته نقد (فرشید نادری) ۳۸۱

یورگ واگنر در سال ۱۹۸۳ و گئو ویدن-گرن در ۱۹۸۷ در مقالات کوتاهی به نقد اثر شیپمان پرداخته‌اند. نویسنده در نگارش این جستار از مطالب این مقالات بهره برده است.

۳. معرفی کتاب و نویسنده آن

کتاب «مبانی تاریخ پارتیان» ترجمه متن آلمانی اثر زیر است:

Klaus Schippmann, Grundzuge der Parthischen Geschichte, Darmstadt Wissenschaftliche Buchgesellschaft, 1980, 132 pages.

کلاوس شیپمان، باستان‌شناس آلمانی در ۱۹۲۴ در کیل آلمان به دنیا آمد. ورود او به عرصه پژوهش‌های تاریخ و باستان‌شناسی ایران حاصل یک مسافرت نه‌ماهه بین سال‌های ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۰ به خاورمیانه بود. شیپمان، پس از مسافرت یادشده و تا پایان عمر به پژوهش در تاریخ و باستان‌شناسی پرداخت و آثار برجسته‌ای در این زمینه از خود به یادگار گذاشت. وی از سال ۱۹۶۱ در رشته باستان‌شناسی خاورمیانه (گرایش ایران) در دانشگاه گوتینگن شروع به تحصیل کرد و در ۱۹۶۹ موفق به دریافت درجه دکتری شد. شیپمان از سال ۱۹۷۲ با درجه استادی در همین دانشگاه به تدریس پرداخت. وی در کاوش‌های هفتون‌تپه و نوشی جان‌تپه حضور داشت. از مهم‌ترین آثار شیپمان می‌توان به آتش‌کده‌های ایران، مبانی تاریخ پارتیان، مبانی تاریخ ساسانیان و نقش برجسته‌های الیمایی ایران از دوره اشکانی با همکاری لویی واندنبرگ، اشاره کرد (شیپمان، ۱۳۸۶): «سخنی از مترجم». خوشبختانه علاوه بر کتاب مورد بحث این جستار، بیشتر آثار شیپمان نیز به فارسی ترجمه شده‌اند (نک: شیپمان، ۱۳۸۶؛ شیپمان، ۱۳۸۴، واندنبرگ و شیپمان، ۱۳۸۶).

۴. معرفی شکلی اثر

مبانی تاریخ پارتیان در سال ۱۳۸۴ با برگردان مترجم نام‌آشنای ایران، هوشنگ صادقی، با تیراژ ۲۲۰۰ نسخه، در قطع وزیری، جلد گالینگور و در ۱۵۵ صفحه توسط نشر و پژوهش فرزانه منتشر شد. کتاب حاضر، تاکنون نیز چندین بار تجدید چاپ شده است. کتاب شامل کتبه‌نوشت‌ها، پیشگفتار، هشت فصل جداگانه و پیوست‌هایی تحت عنوان گاه‌شماری، کتاب‌شناسی و نمایه است. عناوین فصل‌های هشت‌گانه از این قرار است: ۱: «منابع»؛ ۲: «جغرافیا»؛ ۳: «تاریخ پارتیان»؛ ۴: «ساختار امپراتوری پارت»؛ ۵: «اقتصاد در

شاهنشاهی پارتیان؛ ۶: «سپاه»؛ ۷: «دین» و ۸: «هنر». ترجمه کتاب در مجموع بسیار خوب صورت گرفته است. با این حال، در برخی موارد، ابهامات و غلط‌های فاحشی نیز دیده می‌شود. برای نمونه باید به جمله نامفهوم و گنگ «پوست‌نوشته‌های اورامان که در سال ۱۹۰۹ در دهکده پلنگان در نزدیکی اورامان- داغ کردستان ایران پیدا شده بود» اشاره کرد (شیپمان، ۱۳۸۶: ۹). در بخش «سپاه» در جمله: «به اصطلاح، «تیراندازی پارتی» این سواران بلندآوازه است که مبتنی بر رگبار تیری بود که در حالت قیقاج به هنگام فرار ظاهری انداخته می‌شد»، مترجم تلاش کرده است گونه‌ای تاکتیک جنگی را توصیف کند که با ابهام عجیب جمله ناکام مانده و خواننده را سردرگم کرده است (همان، ۱۱۷). هم‌چنین در برخی موارد در ترجمه برخی اصطلاحات فنی، از برگردان‌ها و معادل‌های مهجوری استفاده شده است. برای نمونه در فصل مربوط به هنر، در ترجمه Hieratismus اصطلاح ناآشنای «هیربداوری» به کار رفته است (شیپمان، ۱۳۸۶: ۱۲۵). از طرف دیگر، برخی اشتباه‌های تایپی و مفهومی به ویژه در سال‌شمار حوادث می‌تواند بسیار گمراه‌کننده باشد. برای نمونه سال ۳۳ میلادی به جای سال ۱۳ میلادی در صفحه ۷؛ سال ۶۳ میلادی به جای ۳۶ میلادی در صفحه ۵۹؛ سال ۱/۱۱ میلادی به جای ۱۰/۱۱ میلادی در صفحه ۵۷؛ «پیش از سده ششم میلادی» به جای پیش از سده ششم قبل از میلاد در صفحه ۹۷؛ مهرداد دوم به جای مهرداد یکم در صفحه ۳۰؛ فهرست به جای فهرست در صفحه ۲۱؛ سال ۲۷۱ به جای ۲۱۷ در صفحه ۱۳۳؛ واژه «آرستوکراسی» به جای آریستوکراسی در صفحه ۶۰؛ شمس به جای «شمس» در صفحه ۱۲۷؛ جمله نامفهوم و عجیب «حفاری‌ها در نسا تازه از سال ۱۹۴۶ در حجم وسیعی از سر گرفته شد و حتی در ایران، تعداد اندکی امکان کشف بزرگتری را می‌شناسیم...» در صفحه ۱۲۶؛ استفاده از واژه کمتر شناخته‌شده «پیراشهر» توسط مترجم کتاب به جای حومه یا پیرامون شهر در صفحه ۱۲۷ و یا کاربرد واژه نامفهوم «تختان- بنا» در صفحه ۱۲۸. نکته دیگر به بحث رسم‌الخط و تلفظ نام‌های خاص برمی‌گردد. در ضبط این اسامی، نویسنده رویه واحدی را در پیش نگرفته و میان تلفظ و نگارش نام‌ها با املاهای یونانی و رومی سرگردان است (Wagner, ۱۹۸۳: ۲۵۳). از سوی دیگر نثر به نسبت متکلف و دشوار مترجم، به همراه جملات کوتاه و ناتمام به ویژه در بخش تاریخ سیاسی، گاهی خواننده را سردرگم می‌کند. با همه اینها، در یک ارزیابی کلی، ترجمه کتاب نمره قابل قبول و خوبی را دریافت می‌کند.

۵. ارزیابی محتوایی کتاب

۱.۵ پیش گفتار

نویسنده در پیشگفتار به برشمردن برخی دشواری‌ها در نگارش تاریخ دوره اشکانی می‌پردازد (شیپمان، ۱۳۸۶: ۷-۵). از نظر وی مهم‌ترین این دشواری‌ها عبارتند از: کمبود آشکار منابع، ناچیز بودن کاوش‌ها و یافته‌های باستان‌شناختی، تیراژ محدود گزارش‌های باستان‌شناختی و انتشار آنها به زبان روسی و کم‌توجهی به تاریخ و فرهنگ ایران اشکانی (همان، ۵). وی دیدگاه رایج منابع کلاسیک که اشکانیان را «یونانی‌مآب» و «بربر» معرفی می‌کنند، مورد نقد قرار داده و ضرورت بازنگری در تاریخ این دوران را گوشزد می‌کند. از نظر شیپمان، برای به دست دادن تصویر جامعی از تاریخ ایران اشکانی باید به دوران پیش از پیدایش پادشاهی اشکانی نیز توجه کرد (همان: ۵). این تلاش، بیش‌تر بر ایده برابری سیاسی و فرهنگی دودمان اشکانی با سلسله‌های هخامنشی و ساسانی و یادآوری اهمیت و جایگاه ممتاز اشکانیان در چارچوب تاریخ باستانی ایران تاکید می‌کند.

۲.۵ منابع

بخش دوم کتاب، زیر عنوان «منابع» به دسته‌بندی سرچشمه‌های پژوهش در تاریخ اشکانیان اختصاص یافته است (همان: ۱۹-۷؛ برای دسته‌بندی منابع نک: ولسکی، ۱۳۸۳: ۲۷-۱۹؛ ویدن‌گرن، ۱۳۸۰: ۸۸۴-۸۷۳؛ گروه نویسندگان، ۱۳۹۲؛ ویسهوفر، ۱۳۸۵: ۱۶۹-۱۵۵؛ تفضلی، ۱۳۸۶: ۸۱-۷۳؛ فرای، ۱۳۸۲: ۳۳۳-۳۳۱؛ دوبواز، ۱۳۹۶: ۲۲۶-۲۱۵). نویسنده، مهم‌ترین منابع دوره اشکانی را سفال‌نشته‌های نسا، معرفی می‌کند. وی تنها به ذکر چند نکته کلی در رابطه با سفال‌نشته‌ها بسنده می‌کند. از جمله اینکه آنها اسنادی مالی به منظور ثبت در انبارداری شاهی هستند. در مورد زبان این اسناد به اختلاف محققان در آرامی یا پارتی بودن آنها نیز اشاره می‌کند (همان: ۹). نویسنده، به منظور آشنایی بیشتر خواننده، از ارائه چند نمونه از متن و یا دست‌کم تصاویر این اسناد دریغ نموده است. همین نقیصه در مورد سند مهم بعدی یعنی پوست‌نشته‌های اورامان نیز صادق است (شیپمان، ۱۳۸۶: ۱۰-۹). در این جا نیز تنها به ذکر موضوع سند، یعنی فروش تاکستانی بسنده کرده و از پرداختن به جزئیات بیش‌تری همچون ارائه ترجمه گزیده‌ای از متن و یا گنجانیدن تصاویر اسناد خودداری ورزیده است. در ادامه معرفی منابع، به پایپروس‌های شهر دورا و اروپوس،

اشاره می‌کند. نویسنده گر چه در این جا به فشردگی از معرفی و توضیح این منابع می‌گذرد، در بخش تاریخ اجتماعی، با تفصیل بیشتری به معرفی آنها باز می‌گردد (همان: ۱۰۵). در ادامه، از نوشته‌هایی به زبان آرامی در شهرهای هترا و آسور یاد می‌کند بی‌آن‌که از موضوع و یا اهمیت آنها سخنی به میان آورد (همان: ۱۰). در معرفی کتیبه‌هایی که به زبان پارسی نگاشته شده‌اند نیز همان فشردگی و حساست‌آزاردهنده پیشین در ارائه آگاهی‌های بیشتر به چشم می‌خورد. یادمانی که اردوان چهارم برای ساتراپ شوش (خواسک) بر پا داشته و کتیبه‌ای از گودرز در سرپل زهاب. نویسنده در این بخش حتی به نام گودرز و خواسک هم اشاره‌ای نمی‌کند. در بحث یادمان‌ها و کتیبه‌های الیمایی نیز، تنها به یادکرد اشاره‌گونه‌ای به کتیبه‌های واقع در تنگ سروک بسنده کرده و حتی از پرداختن به نقش برجسته و کتیبه مهم مهردادیکم (؟) در خونگ نوروژی نیز خودداری کرده است. سبک فشردگی شپیمان در معرفی و نقد منابع دوران اشکانی در مورد یکی از مهم‌ترین منابع یعنی سکه‌های اشکانی نیز تداوم می‌یابد. وی تنها به ذکر این نکته که سکه‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند و سجع آنها تا مدت‌ها یونانی و سپس پارسی بود بسنده می‌کند و خواننده خود را با پرسش‌های بی‌پاسخ رها می‌کند. درباره منابع یونانی و رومی آگاهی‌های بیش‌تری به خواننده انتقال می‌یابد. به عنوان نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد: اهمیت «پلوتارک» در لشکرکشی‌های رومیان علیه اشکانیان، اهمیت «استرابون» در توصیف جغرافیای کشور پارت، اهمیت گزارش «پولیبیوس» در بحث لشکرکشی آنتیوخوس سوم به پارت، اهمیت «پلینیوس» در توصیف جغرافیای آسیا و پارت و در نهایت اهمیت «ایزیدورخاراکسی» در توصیف چاپارخانه‌های پارسی در شاهراه بزرگ غربی- شرقی شاهنشاهی اشکانی از دریای مدیترانه تا افغانستان (شپیمان، ۱۳۸۶: ۱۱-۱۲). گذشته از این منابع، شپیمان به معرفی برخی منابع یونانی و رومی دیگر نظیر خلاصه یوستینیوس از اثر گمشده تروگوس پمپوس، تاریخ پارت نوشته آپلودوروس آرمیتایی و پارتیکای آریانوس نیز پرداخته است. گزارش نویسنده، با معرفی کوتاه منابع چینی پایان می‌یابد. با توجه به جایگاه سرنوشت‌ساز ارمنستان، البته جای خالی منابع ارمنی در فهرست منابع کاملاً مشهود است. از نقطه نظر ویدن‌گرن، منابع اسلامی، سریانی، ارمنی و بابلی مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. از سوی دیگر نویسنده کتاب درک چندان درستی از منابع نسا نداشته و آن‌گونه که شایسته است به معرفی منابع بومی به ویژه سکه‌ها و کتیبه‌ها که به زبان پهلوی نگاشته شده‌اند، نپرداخته است. همچنین توجه بیش از اندازه به منابع یونانی، رومی و چینی،

موجب غفلت از بررسی دیگر منابع از جمله منابع اخترشناسی نوبابلی شده است (Widengren, ۱۹۸۷: ۴۳۹-۴۴۰). نکته دیگری که در نقد منابع، مورد غفلت قرار گرفته، بی‌توجهی شیپمان به نقش اشکانیان در گردآوری تاریخ ملی ایران است. سخن بر سر بخش پهلوانی شاهنامه و میراث ادبی و حماسی اشکانیان و خاندان‌های حکومت‌گر ایرانی در این دوره است. بخش قابل توجهی از تاریخ اشکانیان از طریق داستان‌های پیشدادیان و کیانیان قابل بررسی و بازسازی است (یارشاطر، ۱۳۸۰: ۵۸۶). همچنین باید به کوتاهی وی از یادکرد آثاری نظیر «ویس و رامین»، «ابادگار زریران» و «درخت آسوریک» به عنوان آثاری که اشکانی بودن ریشه‌های آنها مورد اجماع قرار گرفته، اشاره کرد (Widengren, ۱۹۸۷: ۴۴۱). از سوی دیگر، واگنر نیز، مشکلات بخش منابع اثر شیپمان را فشرده‌گی بیش از اندازه بخش منابع چینی، کیفیت پایین کتابشناسی منابع یونانی و رومی، و ناسازگاری آگاهی‌های ناشی از سکه‌شناسی با تفسیر شیپمان از منابع ارمنی و عربی یا همان منابع اسلامی می‌داند (Wagner, ۱۹۸۳: ۲۵۲). گزارش شیپمان از بررسی درجه اولویت و اهمیت سرچشمه‌های پژوهش در دوره اشکانی، بسیار فشرده، سطحی و ابتدایی، نارسا و شتابزده است. همچنین با توجه به تخصص اصلی وی در رشته باستان‌شناسی، کوتاهی وی در نپرداختن بیشتر به آثار باستان‌شناختی نظیر کتیبه‌ها، سفال‌ها، مهرها، معرفی سایت‌های اشکانی و آثار هنری قابل توجه نیست.

۳.۵ جغرافیا

بخش دوم کتاب با عنوان «جغرافیا» به بررسی جغرافیای شاهنشاهی اشکانی پرداخته است. پیشینه و ریشه‌شناسی نام پرتوه در کتیبه‌های هخامنشی و تحولاتی نظیر انضمام آن با هیرکانیا و تقسیم آن به استانهای کوچک‌تر در دوران هخامنشی، اسکندر، امپراتوری سلوکی و سپس اشکانی، از جمله مباحثی است که شیپمان در کمال فشرده‌گی به آن پرداخته است (شیپمان، ۱۳۸۶: ۱۷-۱۸). وی یکی از مهم‌ترین تقسیمات ساتراپی پرتوه را به دوران فرمانروایی مهرداد دوم (۱۲۴-۸۸ پیش از میلاد) مربوط می‌داند که در آن «ساتراپی سابق هخامنشی پرتوه (به انضمام هیرکانیا) به استانهای کوچک متعددی یعنی پارتیه‌نه، استائنه، آپه‌ورک‌تیکنه (یا آپه‌ورتنه)، هیرکانیا، کومیسنه و خوآرنه تقسیم شده است» (همان، ۱۸). به دلیل تناقض‌گویی منابع کلاسیک یونانی و رومی و کمبود یافته‌های باستان‌شناختی، تعیین

محل دقیق مکان‌های نام برده شده در این منابع دشوار است و همین مساله موجب ایجاد اختلاف نظر میان محققان امروزی در جایابی این اماکن تاریخی شده است. نویسنده در ادامه این بحث به برخی گمانه‌پردازی‌ها در جایابی برخی ایالات و شهرهای اشکانی نظیر منطقه پارتیه‌نه، شهر دارا، استان استائنه، منطقه کومیسنه و خوآرنه پرداخته است. (همان، ۱۹). شیپمان در ادامه بحث به این مساله که پارت در اصل یک نام جغرافیایی است و نه قومی و تازه در آینده و پس از شکل‌گیری شاهنشاهی اشکانی بار معنایی قومی به‌خود گرفت، می‌پردازد. واپسین مبحث این بخش به پیوند زبان پارسی با زبان مادی و پذیرش زبان پارسی از جانب پرنی‌های مهاجم و نیز دست کشیدن آنها از زبان مادری خود و در نهایت گسترش زبان پارسی در سراسر ایران در دوران اشکانی به عنوان زبان رسمی اداری، اختصاص یافته است (همان، ۲۰). اگر چه گزارش و توصیف شیپمان از جغرافیای پارت در مقایسه با گزارش وی از منابع این دوران از درخشش بیشتری برخوردار است، با وجود این، جای خالی ارائه برخی نکات اساسی در این بخش آشکار است. از جمله این موارد، نادیده انگاشتن یک گزارش مهم و در عین حال کم‌نظیر پلینی، جغرافی‌دان رومی (Pliny, 1961, Natural History) است که در آن به تقسیم‌بندی اداری و فهرست ساتراپ‌های اشکانی اشاره کرده است. به تعبیر پلینی، یازده قلمرو شاهی در بخش علیا و هفت قلمرو شاهی نیز در بخش سفلی واقع شده بود. این گزارش می‌توانست به شکل موثری بخش جغرافیای اثر شیپمان را کامل‌تر و غنی‌تر کند (برای دیدن تفسیر مناسبی از گزارش پلینی نک: ویسهوفر، ۱۳۸۵: ۱۸۵-۱۸۶. همچنین بنگرید به بخش «مدارکی راجع به بخش‌های امپراتوری و شهرهای اشکانی» در: ویزهوفر، یوزف (گردآوری)، امپراتوری اشکانی و اسناد و منابع آن (مجموعه مقالات)، گروه مترجمان، نشر و پژوهش فرزانه روز، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۲، صص: ۶۲۷-۷۲۵). از سوی دیگر در این بخش به پایتخت‌های متعدد اشکانیان که در فرایند گسترش سرزمینی و افزایش تدریجی کشورگشائی‌ها به ضرورت تغییر می‌کردند نیز اشاره‌ای نشده است. با این حال، بهره‌مندی وی از گزارش‌های باستانشناختی در بخش جغرافیا و نیز تلاش وی در بازسازی هر چند تقریبی حدود جغرافیایی فرامانروایی اشکانی را می‌توان از نقاط قوت اثر شیپمان به شمار آورد. ویدن‌گرن، تفسیر جغرافیایی شیپمان را دارای مشکل دانسته و واگنر نیز کوتاه‌نویسی وی در بخش جغرافیا در مقایسه با زیاده‌نویسی نویسنده در بخش تاریخ سیاسی را از نقاط ضعف کتاب دانسته است (Widengren, 1987: 440 & Wagner, ۱۹۸۳: ۲۵۵).

۴.۵ تاریخ پارتیان

فصل سوم به «تاریخ پارتیان» پرداخته است. این فصل، گسترده‌ترین، و در عین حال درخشان‌ترین فصل کتاب شیپمان است (۲۳-۹۶). نویسنده، این فصل را به چهار قسمت با عنوان‌های ۱: آغازها، ۲: شاهنشاهی پارت از مهرداد اول (حدود ۱۳۸/۱۳۹-۱۷۱ ق.م) تا مهرداد دوم (حدود ۸۸/۸۷-۱۲۳/۱۲۴ ق.م)، ۳: پارت و روم و ۴: جمع‌بندی تقسیم کرده است. به تعبیر واگنر، «کتاب شیپمان یک ارزیابی به روز از تاریخ سیاسی پارت است که چهل سال پس از کتاب تاریخ سیاسی پارت دوبرواز (دوبرواز، ۱۳۹۶) منتشر شده است» (Wagner, ۱۹۸۳: ۲۵۱). همچنین باید به تسلط و بینش درخور تحسین نویسنده در تحلیل تاریخ سیاسی و مناسبات ایران و روم توجه نمود. تلاش شیپمان در ارائه یک راه‌حل میانه درباره مناسبات سیاسی روم و ایران و تاکید بر چیزی فرای دشمنی آشکار میان دو طرف از نقاط مثبت کتاب به شمار می‌رود (Ibid, ۲۵۴). این امتیاز البته ناشی از مطالعات و تخصص وی در زمینه حقوق بین‌الملل است. از نظر ترسیم ساختار سیاسی شاهنشاهی اشکانی نیز گزارش شیپمان دربردارنده نکات جالبی است. دقت وی در تفکیک ساختار فئودالی اشکانیان از ساسانیان از جمله این موارد است (Widengren, 1987: 442). از سوی دیگر، به تعبیر واگنر، دستاورد کتاب شیپمان، «ارائه یک پاسخ نوین برای ساختار سیاسی پارت است که به عنوان یک حکومت مطلقه، از امکان گسترش بر مبنای نظامی‌گری برخوردار بوده است. حکومتی با میزان بالای آریستوکراسی با حق انحصاری سلطنت برای خاندان اشکانی» (Wagner, ۱۹۸۳: ۲۵۴). تلاش نویسنده برای به دست دادن گزارشی منسجم از تاریخ سیاسی، از آن جهت حائز اهمیت است که تاریخ سیاسی ایران اشکانی سرشار از گسست‌ها، نقاط مبهم، پیچیده و گاه غیرقابل درک است. به عنوان نمونه می‌توان از سردرگمی مورخان در پر کردن شکاف‌های دورانی موسوم به «عصر تاریکی» اشاره کرد. این برهه زمانی حفاصل مرگ مهرداد دوم (۸۷ پ.م) تا پادشاهی فرهاد سوم (۷۱ پ.م) را دربر می‌گیرد (نک: بیوار، ۱۳۸۰: ۱۴۲-۱۴۷). نمونه دیگر به آشفتگی بیش از اندازه گزارش تاریخ سیاسی این دوران در برهه زمانی پایان پادشاهی بلاش یکم (۷۷ میلادی) تا آغاز پادشاهی بلاش چهارم (۱۲۹ میلادی) باز می‌گردد (همان، ۱۸۶-۱۹۳). بر اساس این ملاحظات، بایستی تلاش شیپمان در کنار نهادن موانع و گرفتاری‌های پیش‌روی خود را ستودنی و تا حدود زیادی موفقیت‌آمیز دانست. از دیگر نکات راهگشای کتاب، می‌توان از

پیوست سودمندی در پایان اثر با عنوان «گاهشماري» یاد کرد (شیپمان، ۱۳۸۶: ۱۳۷-۱۳۳). این پیوست به ویژه برای دانشجویانی که از تاریخ سیاسی پیچیده و گاه کسالت‌آور اشکانیان دچار سردرگمی شده‌اند، می‌تواند به عنوان یک راهنمای کاربردی، موثر باشد. بخش «جمع‌بندی» شیپمان در انتهای فصل تاریخ سیاسی، از جمله نقاط عطف کتاب به‌شمار می‌رود (شیپمان، ۱۳۸۶: ۸۳-۸۰). در اینجا، خواننده کتاب پس از مطالعه یک دور تاریخ سیاسی طولانی، مبهم، یکنواخت و پرفراز و نشیب اشکانیان، با مطالبی شفاف و بنیادین درباره اشکانیان مواجه می‌شود. تلاش نویسنده در ارزیابی منصفانه و به دور از تعصب اشکانیان و تاکید بر جایگاه آنها، ترسیم خطوط ایران‌گرایی اشکانیان، ارائه تفسیر میانه‌ای از جریان موسوم به «یونانی‌مآبی» اشکانیان و در نهایت تشریح عوامل و دلایل فروپاشی اشکانیان از نکات کلیدی بخش جمع‌بندی محسوب می‌شوند:

به اعتقاد من، زمان آن فرا رسیده است تا با اندیشه‌هایی مانوس شد که پارتیان دارای حقوقی برابر با هخامنشیان و ساسانیان و یکی از سه سلسله بزرگ ایران باستان بودند که از هر لحاظ به میراث پیشگام بزرگشان، هخامنشیان آگاه بودند و از سوی دیگر، جانشین آنها ساسانیان، به‌نوبه خود در بسیاری زمینه‌ها برای مثال در حوزه سیاسی، فرهنگی و زبانی در سنت سلفشان قرار داشت (همان، ۸۱).

با همه مزایا و نقاط قوتی که تاکنون برای بخش تاریخ سیاسی اثر شیپمان برشمردیم، می‌توان از برخی کاستی‌ها نیز سخن به میان آورد. گذشته از تفصیل بیش از اندازه بخش تاریخ سیاسی، بایستی به متن دشوار، خشک و یکنواخت نویسنده در توصیف رویدادهای سیاسی این دوره اشاره کرد. از سوی دیگر نبود توازن و تعادل کافی و مناسب در حجم فصل‌های کتاب از کاستی‌ها و معایب آشکار آن به‌شمار می‌رود. در مقایسه با فصل شصت و چهار صفحه‌ای «تاریخ پارتیان»، فصل‌های «اقتصاد در شاهنشاهی پارتیان» در سه صفحه، «سپاه» در دو صفحه، «دین» در دو صفحه و «هنر» تنها در پنج صفحه تنظیم شده‌اند. فشردگی بیش از اندازه این فصول تا جایی است که واگنر در یادداشت انتقادی خود پیشنهاد ادغام و ترکیب آنها با بخش تاریخ سیاسی و نیز کاهش حجم این بخش و پرداختن بیشتر به مباحث فرهنگی و جغرافیایی را مطرح می‌کند (Wagner, ۱۹۸۳: ۲۵۳-۲۵۵). از سویی، با توجه به موقعیت استراتژیک و اهمیت فرهنگی و سیاسی ویژه ارمنستان، باید نقد روشمند و معنادار ویدن‌گرن درباره دیدگاه شیپمان نسبت به

ارمنستان را مدنظر قرار دهیم. از نظر وی، شیپمان، درباره پیوستگی فرهنگی و زبانی ارمنستان با ایران اشکانی دیدگاه درستی ندارد و در نظر گرفتن ارمنستان به عنوان یک بخش مجزا رویکرد مناسبی نیست. این از آن روست که ارمنستان در بسیاری موارد از جمله در فرهنگ و زبان به شکل جدی دارای اشتراک فراوانی با ایران است (Widengren, ۱۹۸۷: ۴۳۹). با این همه، با توجه به دشواری‌ها، تنگناها، افتادگی‌ها و پیچیدگی‌های تاریخ سیاسی ایران در دوره اشکانی، می‌توان به عملکرد نویسنده در توصیف تاریخ اشکانیان نمره قابل قبولی داد.

۵.۵ ساختار امپراتوری پارت

در این بخش نویسنده در صدد است براساس شواهد باستان‌شناختی و منابع موجود، شرح مختصری از ساختار اجتماعی شاهنشاهی اشکانی به دست دهد (شیپمان، ۱۳۸۶: ۱۱۳-۹۷). وی برای سهولت و نظم بیشتر، این بررسی را در بخش‌های سه‌گانه زیر دسته‌بندی می‌کند: ۱. شرایط اجتماعی از هزاره دوم تا سده ششم پیش از میلاد؛ ۲. روند تحول از سده ششم تا پیدایش شاهنشاهی پارت و ۳. جامعه پارت از سده دوم پیش از میلاد تا سده سوم پس از میلاد. این بخش به دلیل پرداختن به مباحث اجتماعی و ترسیم خطوط تطور خاندان نوپای اشکانی از آغاز تا تثبیت قدرت و افزایش قلمرو سرزمینی و نیز تکوین ساختار سیاسی فرمانروایی اشکانیان در سده‌های آتی، حائز توجه و اهمیت بیشتری است. از سوی دیگر، مباحث جذاب، بدیع و به نسبت شیرین این بخش که بیشتر از آگاهی‌های باستان‌شناختی مولف ناشی شده در مقایسه با بخش طولانی و پیچیده تاریخ سیاسی، توانسته است تا حدود زیادی به برقراری تعادل و نیز تلطیف ساختار اثر شیپمان یاری کند.

۱.۵.۵ شرایط اجتماعی از هزاره دوم تا سده ششم پیش از میلاد

در این‌جا نویسنده تلاش می‌کند با اتکا به گزارش‌های باستان‌شناختی، روند استقرار و شرایط اجتماعی منطقه پارت و پیرامون آن را تشریح کند. وی به سه فرهنگ شناخته شده اشاره می‌کند ۱. «فرهنگ دهستان» که به تقریب از ۱۲۰۰ تا ۶۵۰ پ.م را در بر می‌گیرد و به عصر برنز متأخر تعلق داشته است. اقتصاد مبتنی بر کشاورزی و دامداری شاخصه این فرهنگ است. زیستگاه‌های کوچک و بزرگ، شبکه آبیاری گسترده و حاکمیت قشر ممتازی

که در دژهای محصور می‌زیستند از دیگر ویژگی‌های فرهنگ دهستان به شمار می‌رود. احتمالاً پرنی‌ها / داهه‌ها با این فرهنگ در ارتباط بوده‌اند. فرهنگ دوم در دامنه‌های کوه‌په‌داغ (در سمت قره‌قوم) واقع در منطقه آخال قرار دارد. این فرهنگ، گاهی فرهنگ «پارت کهن» یا «نمازگاه ۴» نیز خوانده می‌شود. حصارهای بزرگ و ارگ مستحکم از ویژگی‌های این فرهنگ به شمار می‌رود. سومین فرهنگ، فرهنگ مرغاب یا «مارگیانای کهن» است. «یاز تپه» در این ناحیه احتمالاً تشکل حکومتی بزرگی را نمایندگی می‌کرده است. بنابر دیدگاه نویسنده، می‌توانیم در مورد این سه منطقه، اتحادیه‌های حکومتی بزرگی را تخمین بزنیم. شبکه آبیاری وسیع، دژهای محصور، زیستگاهها و پیدایش آهن نشانگر سطح بالایی تحول اجتماعی هستند:

در هر حال، یافته‌های باستان‌شناختی دهه‌های اخیر مؤید این نکته است که ما در این مناطق که به زودی می‌بایست هسته شاهنشاهی بعدی پارت‌ها در آنجا تشکیل شود، دیگر نمی‌توانیم بنا را بر این فرض بگذاریم که تازه در دوران هخامنشی یا هلنیستی، شهرها یا بهتر است گفته شود، تشکلهای حکومتی به وجود آمده‌اند و پیش از این دوره، فقط چادرنشینان در این منطقه اقامت داشتند، بلکه باید این روند تحول شهری از مدت‌ها قبل، از اواخر هزاره سوم و بعداً با آغاز عصر آهن، حدود ۱۰۰۰ ق.م با شدت بیش‌تری شروع شده باشد (همان، ۱۰۰).

گنجاندن این بخش به عنوان یک پیش‌درآمد و مقدمه ضروری، به دیدگاه و نگرش نویسنده باز می‌گردد. این نگرش نوین و تاحدودی مثبت، ناشی از تلاش نویسنده در بازسازی منصفانه‌تر تاریخ اشکانیان است. این بخش در حقیقت در پاسخ به دیدگاه‌های منفی و یک‌جانبه برخی نویسندگان به تاریخ ایران اشکانی نگاشته شده است. بر اساس دیدگاه شیپمان، اشکانیان در منطقه‌ای نشو و نما یافتند که از گذشته‌های دور، دست‌کم از هزاره ششم پیش از میلاد در معرض تمدن و بنیان‌های آن قرار داشته‌اند. بنابراین، دیدگاهی که اشکانیان را صرفاً چادرنشینان و بیابان‌گردانی به دور از مظاهر شهرنشینی معرفی می‌کند، از طریق مباحث این بخش که بر مبنای داده‌های باستان‌شناختی شیپمان سازماندهی شده‌اند، به چالش کشیده می‌شوند.

۲.۵.۵ روند تحول از سده ششم پیش از میلاد تا پیدایش شاهنشاهی پارت

در این بخش و در امتداد مباحث بخش پیشین، نویسنده تلاش می‌کند روند تحولات اجتماعی منطقه پارت از دوره هخامنشی تا شکل‌گیری شاهنشاهی اشکانی را مورد ارزیابی قرار دهد. هدف اصلی شیپمان توجه دادن به این بحث است که خاندان اشکانی با محوریت اقدامات جسورانه و شخصیت برجسته آرشک، به یک خاندان نوین شاهی مبدل می‌گردد و اطرافیان آرشک به باور کهن ایرانی فرهمند بودن وی اعتقاد یافته‌اند. به تدریج، گذشته از شکل‌گیری دربار و نیز آئین‌های درباری، شاهد رشد روزافزون یک طبقه اشرافی با محوریت خانواده سلطنتی، بزرگان و افراد پیرامون آنها هستیم. این بخش از کتاب در پی ترسیم خطوط این تحولات اجتماعی است. بر این اساس، در پی کشورگشایی‌های هخامنشیان در آسیای مرکزی، به ویژه در ناحیه ترکمنستان جنوبی و علی‌رغم نابودی‌ها و برخی ویرانی‌ها، شواهد باستان‌شناختی هیچ نشانه‌ای از عقب‌گرد و یا حتی ایستایی به دست نمی‌دهند (همان، ۱۰۰). گذشته از شهرهای بزرگی نظیر مرو و سمرقند، بخش اعظم این منطقه بایستی سرزمینی روستایی با دهکده‌های خرد و کلان بی‌شمار بوده باشد. در دوره سلوکی، گذشته از جایگزینی فردی مقدونی یا یونانی به جای کلان‌زمین‌دار سابق، و نیز مستعمره‌سازی‌های سلوکیان و گسترش فرهنگ یونانی، همه چیز به روال سابق خود بود. پرنی‌های مهاجم (خاندان آرشک) در چنین شرایطی در منطقه اسکان یافتند. احتمالاً آن‌ها به عنوان طبقه فرادست جایگزین کلان‌زمین‌داران شده‌اند. در این برهه ما فقط با یک جامعه استپ‌نشین چادرنشین مواجه نیستیم، بلکه با سازندگان زیستگاه‌های بزرگ و کانال‌های آبیاری روبه‌رو هستیم (نک: آلبریخت، ۱۳۹۲: ۵۷-۱). در دوره اولیه پرنی‌ها (دوران فرمانروایی آرشک نخست و دوم) با دگرگونی در ساختار اجتماعی مواجه هستیم. تلاش آرشک به منظور تحکیم موقعیت فردی از نشانه‌های زیر آشکار است: تاج‌گذاری وی در شهر آساک، تعیین سال تاجگذاری وی به عنوان مبدأ تاریخ اشکانیان و ضرب سکه (شیپمان، ۱۳۸۶: ۱۰۲؛ درباره آرشک نک: ویسهوفر، ۱۳۸۵: ۱۷۲-۱۶۹؛ ولسکی، ۱۳۸۳: ۶۳؛ نادری، ۱۳۹۷ الف: ۱۱۷-۱۱۵). شیپمان در ادامه تلاش می‌کند گزارش مختصری از سلسله مراتب اجتماعی در فرمانروایی اشکانی به دست دهد. در این برهه در ساختار اجتماعی دولت اشکانی می‌توان گذشته از شاه، به واسطه‌های بزرگ و تعداد محدودی کلان‌زمین‌دار که در مقام شهر، استانی را اداره می‌کردند نیز اشاره کرد. در کنار

این واسالهای بزرگ، اشراف معمولی قرار داشتند، سپس روستاییان ناآزاد (وابستگان) و سرانجام بردگان (شیپمان، ۱۳۸۶: ۱۰۳؛ درباره شرایط اجتماعی در دوره اشکانی نک: ویسهوفر، ۱۳۸۵: ۱۸۳-۱۷۵).

۳.۵.۵ جامعه پارت از سده دوم پیش از میلاد تا سده سوم پس از میلاد

به عنوان واپسین بخش تحولات اجتماعی، نویسنده به دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی شاهنشاهی اشکانی در دوران فرمانروایی مهرداد یکم (۱۷۱ - ۱۳۸ پ.م) به این سوی پرداخته است. در این زمان، از یک سو شاهد کشورگشائی‌ها و در نتیجه گسترش قلمرو سرزمینی و از سوی دیگر برقراری تماس‌های فرهنگی پادشاهی اشکانی با ساختارهای اجتماعی نوینی در میان‌رودان هستیم (شیپمان، ۱۳۸۶: ۱۰۳). از دیگر نکات مهم و جریان‌ساز این دوران، باید به تعمیق ایران‌گرایی در میان اشکانیان اشاره کرد (همان، ۱۰۴؛ درباره ایران‌گرایی نک: ولسکی، ۱۳۸۳: ۱۱۱). همچنین در این مرحله، با شاهنشاه مقتدری مواجه هستیم که به بسیاری از سنن کهن وقعی نمی‌نهد. جانشینی مهرداد یکم، برادر فرهاد یکم و کنار نهادن سنت جانشینی فرزند ارشد، اعدام اوربازوس سفیر پارتی در دوران مهرداد دوم (۱۲۳-۸۷ پ.م) و اعدام سورن، سپهسالار سپاه اشکانی در نبرد با کراسوس در دوران ارد دوم (۵۸-۳۸ پ.م) از جمله نشانه‌های رشد روزافزون اقتدار شاهنشاه به‌شمار می‌روند. با گسترش اراضی، اشراف که تیولداران بزرگ به‌شمار می‌رفتند نیز دارای امتیازها و اختیارات بیشتری می‌شوند (شیپمان، ۱۳۸۶: ۱۰۴؛ درباره اشراف نک: لوکونین، ۱۳۸۰: ۱۰۴-۹۲). در ادامه این فصل، شیپمان به افزایش قدرت اشراف و برخی دخالت‌های آنان در عزل و نصب پادشاهان اشکانی می‌پردازد. پیدایش غاصبان سلطنت و قدرت رو به افزایش ساتراپ‌ها نشانه قدرت اشراف است که در سده نخست پیش از میلاد، نهاد سلطنت را به چالش کشیدند (نک: جلیلیان، نادری و تقی‌پور بیروگانی ۱۳۹۸). بر مبنای تحلیل شیپمان، در این زمینه می‌توان به استفاده گودرز از عنوان عجیب «شهرب شهرب‌ها» به قیاس شاه‌شاهان استناد کرد. همچنین پوست‌نوشته شماره ۱۰ دورا اورپوس نشانگر برخی القاب و زوایای قدرت اشراف است (شیپمان، ۱۳۸۶: ۱۰۵). از نقاط عطف اثر شیپمان در توصیف ساختار اجتماعی دولت اشکانی، تلاش وی در تشریح مسأله «فتودالیزم» و تحلیل دلایل ناسازگاری این ساختار با تاریخ ایران اشکانی است. وی مقایسه شرایط حاکم بر اروپا در قرون وسطی را با شرایط اجتماعی ایران اشکانی نادرست دانسته و استدلال می‌کند

برقراری نظام موسوم به فئودالیسم را برای این دوران نمی‌توان به شکل کامل پذیرفت (همان، ۱۰۷-۱۰۶؛ درباره فئودالیسم در دوره اشکانی نک: ویدن‌گرن، ۱۳۷۸: ۱۵۳).

۶.۵ «اقتصاد در شاهنشاهی پارتیان»

خلاصه مهم‌ترین مباحث کتاب در این فصل از این قرار است: اذعان نویسنده که قبل از هر چیزی بایستی درباره داد و ستد بحث شود چرا که آگاهی‌ها درباره کشاورزی که قاعدتاً اهمیت ویژه داشته ناچیز است. این عدم آگاهی درباره صنایع دستی نیز صادق است. شروع گسترده تجارت در مقیاس وسیع میان غرب و چین از مجرای ایران، بایستی پس از آمدن یک هیأت چینی به ایران در دوران پادشاهی مهرداد دوم (۱۲۴-۸۷ پ.م) مرتبط باشد (شیپمان، ۱۳۸۶: ۱۱۳). شیپمان به نخستین کاروان رسمی که در سال ۱۱۴ پ.م از چین عازم غرب گردید اشاره می‌کند. وی اهمیت نوشته ایزیدور خاراکسی با عنوان «چاپارخانه‌های پارتی» که در شناخت کاروانسراه‌های مسیر شرقی غربی تجارت کمک شایان توجهی می‌کند را یادآور شده است. همچنین تجارت دریایی از طریق شهر مهم بندری اسپاسنیوخاراکس در خلیج فارس نیز از دیگر راه‌های تجاری به شمار می‌رفت. شبکه رودخانه‌ای و آبراه‌های عالی فرات هم در خور ذکر است (همان، ۱۱۴). این تجارت با واسطه‌گری اشکانیان انجام می‌شد. پارتیان از طریق گمرگ‌خانه‌های فراوان و مالیات‌های گوناگون بر کالاهای مورد معامله سود سرشاری می‌بردند. شیپمان، درآمد پارتیان از این طریق را قابل توجه توصیف می‌کند. بردگان، ارغوان، عطر، روغن زیتون، چهارپایان، پوست، نمک، تندیس‌های برنزی، طلا، نقره، پارچه و ابریشم مهم‌ترین کالاهای صادراتی و وارداتی بودند. (همان، ۱۱۵) زردآلو، هلو و آهن سیری یا فولاد از چین به ایران و انار یا میوه پارتی، تاک و یونجه از ایران به چین آورده شد. اسبان نسایی که در چین به «اسبان آسمانی» شهرت یافتند از جمله کالاهای مورد علاقه چینیان بود که از ایران وارد می‌شد (درباره کالاهای بازرگانی نک: کیان‌راد، ۱۳۹۶: ۱۲۱). در بخش پایانی این فصل، نویسنده به شکل کوتاه و زودگذری به برخی مالیات‌های آن دوران از جمله مالیات سرانه موسوم به «کراگا»، مالیات ارضی موسوم به «تسقا» و نیز مالیات بر محصول اشاره کرده است (همان، ۱۱۵).

بخش اقتصادی اثر شیپمان نیز همانند دیگر فصل‌های مرتبط با فرهنگ و تمدن کتاب، بسیار فشرده و به سبکی دانشنامه‌ای نوشته شده است. این در حالی است که با استفاده از برخی آگاهی‌های موجود در سفال‌نشته‌های نسا و چرم‌نشته‌های اورامان، دست‌کم امکان بازسازی تقریبی برخی ویژگی‌های اقتصادی، از جمله سیستم مالیات‌گیری اشکانیان در نیمه نخست فرمانروایی آنان فراهم است (درباره مالیات نک: لوکونین، ۱۳۸۰: ۱۴۸-۱۴۵؛ کیان‌راد، ۱۳۹۶: ۲۸۵-۲۸۱). شیپمان تنها در بخش پایانی مباحث اقتصادی خود، اشاره کوتاه و مبهمی به مالیات‌های جنسی از جمله شراب در تاکستان‌های نسا کرده و از ارائه هر گونه آگاهی‌های تکمیلی در این باره خودداری می‌کند. در اینجا جای خالی ارائه متن و تحلیل و تفسیر دست‌کم یک یا دو نمونه از این اسناد مشهود است. با این همه، تمرکز و تاکید نویسنده، عمدتاً بر ارائه برخی آگاهی‌های کلی اقتصادی با محوریت بازرگانی در دوره اشکانی و به دست دادن فهرستی از کالاها و راه‌های بازرگانی است (همان، ۱۱۵-۱۱۳؛ درباره بازرگانی نک: کیان‌راد، ۱۳۹۶؛ لوکونین، ۱۳۸۰: ۱۴۵-۱۳۸؛ ویسهوفر، ۱۳۸۵، ۱۸۷-۱۸۵).

۷.۵ «سپاه»

سبک فشرده شیپمان در فصل کوتاه «سپاه» (شیپمان، ۱۳۸۶: ۱۲۰-۱۱۷) نیز تداوم پیدا کرده است. با وجود این، ارائه آگاهی‌ها و اطلاعات بیشتر و جذاب را می‌توان وجه تمایز این فصل با دیگر فصل‌های کتاب دانست. تلاش نویسنده در دسته‌بندی اجزای سپاه اشکانی و ترسیم ویژگی‌ها و خویشکاری‌های آنها و ارائه جزئیات بحث در عین اختصار، ویژگی اساسی این فصل است. تفکیک سواره‌نظام سبک اسلحه از سواران سنگین اسلحه و برشمردن ویژگی‌ها و کارکرد هر یک از آنها در ترکیب ارتش اشکانی، مباحث کوتاهی درباره شمار و نیز ترکیب اجتماعی سپاه در دوره اشکانی به همراه وظائف پیاده‌نظام از دیگر مطالبی است که در این فصل مورد بحث قرار گرفته‌اند. شیپمان در ابتدای فصل، سرچشمه‌های آگاهی‌های مفید درباره سپاه اشکانی را اینگونه بر می‌شمارد: ۱. آگاهی‌های مندرج در متون مورخان باستان ۲. آثار باستان‌شناختی و ۳. نقوش جنگجویان پارتی در سنگ‌نگاره‌ها و دیوارنگارها (همان، ۱۱۷). با این همه با مطالعه این بحث درمی‌یابیم که مطالب فصل سپاه، عمدتاً بر اساس بند یکم یعنی متون یونانی و رومی سازماندهی شده و

از دیگر منابع استفاده مفیدی نشده است. همچنین هیچ تصویر و طرحی نیز که بتواند در تکمیل مباحث مطرح شده به خواننده کتاب یاری رساند پیوست نشده است. از سویی در این بخش، مباحث مهم و جنجال‌برانگیزی در حوزه ارتش اشکانی مورد غفلت واقع شده است. مباحثی نظیر ارتش دائمی یا موقت در دوره اشکانی؛ وابستگی یا عدم وابستگی شاهان اشکانی به اشراف در تجهیز و بسیج ارتش؛ پرچم و نمادهای ارتش در دوره اشکانی؛ فرهنگ سلحشوری، سوارکاری، جنگاوری و پهلوانی؛ جایگاه سورنا در ارتش اشکانی؛ اهمیت مزدوران در ساختار ارتش اشکانی و مواردی از این دست (برای ارتش اشکانی نک: شاپور شهبازی، ۱۳۷۵: ۳۰-۲۸؛ ویسهوفر، ۱۳۸۵: ۱۸۷؛ ولسکی، ۱۳۸۳: ۱۲۹). با این همه، همانطور که گفته شد، فصل «سپاه» یکی از فصول درخشان مبانی تاریخ پارتیان محسوب می‌شود.

۸.۵ «دین»

فصل مربوط به «دین» نیز، از همان گرفتاری و مشکل پیشین، یعنی «فشرده‌نویسی» رنج می‌برد (شیپمان، ۱۳۸۶: ۱۲۵-۱۲۱). در اینجا، گرچه مولف شواهدی را درباره اوضاع دینی ایران در دوره اشکانی، هر چند کوتاه و شتابزده دسته‌بندی کرده، با این حال، تنها به ارائه کلیاتی نظری، درباره آمیختگی عقاید دینی در دوره مورد بحث بسنده می‌کند. شیپمان، مشکل ابهام اساسی منابع درباره اوضاع دینی این دوران را یادآور می‌شود. وی هم‌چنین، ضمن تاکید بر تعلق بیشتر داده‌های دینی به بخش غیر ایرانی پادشاهی اشکانی، از جمله ارمنستان، بین‌النهرین و آسیای صغیر، اینگونه نتیجه می‌گیرد که «دشوار بتوان از طریق این داده‌ها به تشریح وضع دینی سرزمین اصلی ایران در دوره اشکانیان پرداخت». از دیدگاه او، مشکل دیگر به نبود کاوش‌ها و گزارش‌های باستان‌شناختی درباره ابنیه آیینی این دوران و نیز نبود مآخذ کافی بر می‌گردد. نویسنده امکان پاسخ به این پرسش که آیا دین زردشتی در دوره اشکانیان رسمیت داشته یا خیر را دشوار می‌داند. شیپمان، برخی خصوصیات دین در این دوران را این‌گونه توصیف می‌کند: پرستش آب و نیاکان؛ آتش جاودانه مشتعل در آساک جایی که نخستین شهریار پارت در آنجا تاج‌گذاری کرد و آمدن نامهای زردشتی در سفال‌نبشته‌های نسا. همچنین وی رواج و گسترش آیین‌های سامی و هلنی در نیمه غربی

امپراطوری را یادآور می‌شود. از منظر شیپمان، این دوران با رواداری دینی فوق‌العاده‌ای همراه بود که تبادل معنوی میان شرق و غرب را ایجاد کرد.

گذشته از کلی‌گویی و تاکید بر مباحث عمدتاً نظری و نیز کوتاهی نویسنده در تحلیل شواهد و مستندات مربوط به بحث دین، برخی نواقص و مشکلات از این قرار است: نادیده انگاشتن یک تحول بزرگ دین ایرانی در دوره اشکانی یعنی گسترش پرستش میثره یا مهر در میان ایرانیان به ویژه در شرق ایران؛ بی‌توجهی به ترسیم دست‌کم خطوط و مسیرهای تاثیر متقابل هلنیسم و آئین‌های دینی یونانی و سامی و ادیان ایرانی بر یکدیگر در دوره اشکانیان (نک: کالیبری، ۱۳۹۴: ۴۵۵-۴۲۷)؛ فقدان برخی آگاهی‌ها و مستندات برجسته و تاثیرگذار در حوزه اندیشه دینی اشکانیان، از جمله شیوه‌های تدفین، گاهشماری زرتشتی به کار رفته در سفال‌نبشته‌های نسا و کتیبه اردوان چهارم (۲۲۴-۲۱۳م) و نیز گزارش متون پهلوی و سنت زرتشتی درباره اقدام احتمالی «بلاش» شاهنشاه اشکانی در گردآوری نسخه‌های اوستا (ویسهوفر، ۱۳۸۵: ۱۹۱-۱۹۰). بنابراین، تحلیل نویسنده از تاریخ اندیشه دینی در دوره اشکانی را تنها باید گزارشی کلی، کوتاه، فاقد بینش کافی و غیر راهگشا قلمداد کرد (برای تاریخ اندیشه دینی در دوره اشکانی نک: کولپه، ۱۳۸۰: ۲۸۱-۲۵۶؛ بویس، ۱۳۹۵: ۱۳۱-۱۰۷؛ دوشن‌گیمن، ۱۳۷۵: ۳۰۳-۲۷۳؛ دیاکونف، ۱۳۵۱: ۱۲۱-۱۱۷).

۹.۵ «هنر»

فصل هنر، از نظر کمیت و کیفیت، در مقایسه با دیگر فصل‌ها، دارای برجستگی، گیرایی و مباحث جدی‌تری است. این تمایز، در وهله نخست به پیشینه پژوهشی و تحصیلات مولف در حوزه باستان‌شناسی باز می‌گردد. تسلط شیپمان به مباحث تاریخ هنر، سبک‌ها و ویژگی‌های هنر ایرانی و نیز اشراف وی بر سایت‌های باستانی و گزارش کاوش‌ها، سبب برتری فصل هنر شده است. در اینجا خواننده کتاب، برخلاف فصل‌های پیشین که با کلیاتی سر بسته همراه بود، با ارائه و تحلیل داده‌ها و آگاهی‌های بیشتری همراه با ذکر نمونه و جزئیات مشروح مواجه می‌شود. نقدها و ملاحظات شیپمان بر برخی دیدگاه‌ها و نظرات راستوفتسف و اشلمبرژه درباره هنر اشکانیان، حاوی نکات نوین و بدیعی است. از جمله این نکات باید به لحاظ نمودن تاثیرات هنر آسیای مرکزی و نیز دفاع وی از یک سبک

آمیخته و ترکیبی در برابر سبک هلنیستی ناب آثار نسا اشاره کرد. وی مبدع اصطلاح «هنر پارتی» را راستوفتسف می‌داند. با این حال توضیح می‌دهد که هنر در نظر راستوفتسف، عمدتاً در برگیرنده مناطقی چون دورا و راپوس، هترا، آسور و پالمیرا است تا سرزمین اصلی پارتیان. وی بر اساس دیدگاه راستوفتسف، مهم‌ترین ویژگی‌های هنر پارتی را روح‌باوری، هیردباوری، خط‌نگاشت‌گرایی، واقع‌گرایی و بالاخص ویژگی تمام‌رخ‌نمایی معرفی می‌کند (شیپمان، ۱۳۸۶: ۱۲۵). شیپمان، سپس به طرح دیدگاه اشلومبرژه درباره هنر پارتی پرداخته و سه مؤلفه هنر پارتی از دیدگاه وی را یونانی، ایرانی کهن (هخامنشی) و ایرانی نو (طویف چادر نشین، پرنیها/ پارتیها، سکاها و کوشان) معرفی می‌کند. از دیدگاه اشلومبرژه، خاستگاه هنر پارتی نه نسا که متأثر از هنر یونانی است، بلکه بین‌النهرین (تیسفون) است. در اینجا نیز شیپمان با یادآوری میزان ناچیز آثار یافت‌شده اشکانی در تیسفون، دیدگاه اشلومبرژه را به چالش می‌کشد (همان، ۱۲۶). مهم‌ترین مکان‌ها برای بررسی هنر پارتی از این قرارند: ۱. هترا با معبد بزرگ خدای خورشید یا شَمَش. در هترا پیدایش «مدل نو فضا» یعنی ایوان، از اهمیت ویژه برخوردار است. همچنین تزئین بنا و کاربرد بیش از اندازه گچ‌بری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مکان بعدی، نسا در ترکمنستان امروزی است. دو مجتمع، شامل نسای کهن و نو. نسای جدید شامل منطقه مسکونی شهر است به همراه ارگی با مساحت دوازده هکتار و نیز پیراشهری با مساحت سیصد هکتار. در زمینه دست‌سازهای هنری، باید به تکوک‌هایی (ریتون) از جنس عاج که ریخت شاخ دارند و تندیس‌هایی عمدتاً از جنس مرمر که الگوهایی یونانی-هلنیستی دارند، اشاره کرد. اشلومبرژه هنر پارتی نسا را «مرحله دربار هلنیست‌مآب ایرانی» نامیده است؛ با این همه، شیپمان تأثیر فرهنگ‌های پیشین منطقه (نمازگاه، یازتپه، دهستان) را هم یادآوری می‌کند و به یک سبک هنری ترکیبی اعتقاد دارد (همان، ۱۲۸-۱۲۶). در سال‌های اخیر اوضاع اماکن باستانی حفاری شده به نفع دوران پارتیان بهبود یافته و بیشتر آثار در کردستان و خوزستان قرار دارند: کنگاور، قومس و منطقه الیمایی با سنگ‌نگاره‌هایی با ویژگی تمام‌رخ‌نمایی که تأثیرات هلنیستی یا سامی را انعکاس نمی‌دهند و نمونه‌ای از هنر خالص با ویژگی‌های ایرانی را نمایش می‌دهند (برای این نقش‌برجسته‌ها نک: واندن‌برگ و شیپمان، ۱۳۸۶؛ کوامی، ۱۳۹۲؛ چیت‌ساز، ۱۳۹۴). فصل هنر کتاب شیپمان البته با اینکه در مقایسه با دیگر فصل‌های کتاب از کیفیت بهتری برخوردار است با این همه، به برخی از مهم‌ترین آثار هنری اشکانی از جمله کتیبه‌های سلطنتی نپرداخته است. برای نمونه باید به کتیبه‌های

شاهان اشکانی در بیستون، شوش و سرپل‌زهاب اشاره کرد (نک: کوامی، ۱۳۹۲: ۵۵). همچنین باید به کوتاهی و غفلت نویسنده در پرداختن به برخی نکات مهم در زمینه هنر اشکانی از جمله مبحث پوشش (نک: سرخوش‌کرتیس، ۱۳۹۲: ۷۵) و نیز ویژگی‌های هنری سکه‌های اشکانی اشاره کرد (برای هنر اشکانی نک: اشلومبرژه، ۱۳۸۰؛ بوسایلی، ۱۳۸۹؛ آذرنوش، ۱۳۹۴؛ موسوی، ۱۳۹۴؛ کوامی، ۱۳۹۲؛ فون‌گال، ۱۳۹۲).

۶. نتیجه‌گیری

«مبانی تاریخ پارتیان» برخلاف حجم مطالب ناچیزش، در به دست دادن تصویری شفاف و فراگیر از ایران اشکانی کامیاب بوده است. با این همه، فشرده‌نویسی زیاده از اندازه، به ویژه در فصل‌های اجتماعی و اقتصادی، از جمله نقاط ضعف کتاب محسوب می‌گردد. تلاش شیپمان در پاسداشت میراث فرهنگی اشکانیان و بازسازی وجهه سیاسی و فرهنگی آنان و بازنگری در برخی انگاره‌ها و دیدگاه‌های سنتی از جمله نکات برجسته و مهم اثر وی به‌شمار می‌رود. ارائه تحلیلی نوین از مبحث جنجالی «یونانی‌مآبی» و توجه به فرآیند «ایران‌گرایی» اشکانیان از دیگر خطوط اساسی نگرش نویسنده است. برخی ملاحظات انتقادی وی درباره سبک‌ها و الگوهای هنری اشکانیان حائز اهمیت است. تاریخ سیاسی کتاب بدون تردید درخشان‌ترین فصل کتاب است. تحلیل‌های منحصر به فرد وی در گزارش مناسبات ایران و روم با تکیه بر مبانی حقوق سیاسی و بین‌الملل، موجب گیرایی و جذابیت بیشتر این فصل شده است. گنجاندن فصلی با محوریت «شرایط اجتماعی پارت» و توجه به تأثیرات فرهنگ‌های پیشین در ساختار فرهنگی و اجتماعی پادشاهی اشکانی از دیگر نقاط عطف اثر شیپمان محسوب می‌شود. رعایت نکردن تعادل و تناسب حجم فصل‌های کتاب موجب خدشه‌دار شدن کلیت اثر شده است. همچنین به عنوان دیگر کاستی‌های کتاب، باید به فقدان تصاویر، کمبود نقشه‌های مرتبط و نیز خودداری نویسنده از ارائه گزیده‌هایی از متن سکه‌ها، کتیبه‌ها و منابع مکتوب اشاره کرد. کتاب از حروف چینی، صفحه‌آرایی و صحافی با کیفیتی برخوردار است. در زمینه ترجمه، گذشته از نثر دشوار و گاه رسمی مترجم و برخی اشتباهات در نام اشخاص، برخی معادلیابی‌های مبهم و سالشمار نادرست رویدادها، ترجمه کتاب، نمره قابل قبولی را دریافت می‌کند. کتاب از نظر صحافی، حروف چینی و صفحه‌آرایی از کیفیت خوب و مناسبی برخوردار است.

کتاب‌نامه

- اشلومبرژه، دانیل (۱۳۸۰)، «هنر پارتی»، در: تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، (جلد ۳ قسمت دوم)، گردآوری احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، چاپ دوم، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، صص ۴۹۰-۵۵۱.
- آلبریخت، مارک (۱۳۹۲)، «فرهنگ مناطق استپی و روابط میان جمعیت کوچگر و یکجانشین»، در: ویزهوفر، یوزف (گردآوری)، امپراتوری اشکانی و اسناد و منابع آن (مجموعه مقالات)، گروه مترجمان، نشر و پژوهش فرزانه روز، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۲، صص: ۱-۵۷.
- آذرنوش، مسعود (۱۳۹۴)، «تاریخ هنر اشکانیان»، در: تاریخ جامع ایران، جلد چهارم، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، سرویراستاران: حسن رضائی باغبیدی و محمود جعفری دهقی، چاپ دوم، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، صص ۱۰۰-۷۳.
- بوسایلی، ماریو (۱۳۸۹)، «هنر پارتی»، در: هنر پارتی و ساسانی، ترجمه و تدوین یعقوب آژند، چاپ سوم، انتشارات مولی.
- بویس، مری (۱۳۹۵)، زرتشتیان، باورها و آداب دینی آنها، ترجمه عسکر بهرامی، چاپ چهاردهم، تهران، ققنوس.
- تفضلی، احمد (۱۳۸۶)، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، چاپ پنجم، تهران، سخن.
- جلیلیان، شهرام؛ فرشید نادری و زهره تقی پوربیرگانی (۱۳۹۸)، «نقش اشراف در عزل و نصب پادشاهان اشکانی (از برآمدن اشکانیان تا پایان پادشاهی اردوان دوم)»، تحقیقات تاریخ اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوفصلنامه علمی، (مقاله علمی - پژوهشی)، سال نهم، شماره دوم، پائیز و زمستان ۱۳۹۸، صص ۲۵-۴۹.
- چیت‌ساز، محمدرضا (۱۳۹۴)، «معماری و هنر الیمایی»، در: تاریخ جامع ایران، جلد چهارم، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، سرویراستاران: حسن رضائی باغبیدی و محمود جعفری دهقی، چاپ دوم، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، صص ۱۹۲-۱۲۹.
- دوبواز، نیلسون (۱۳۹۶)، تاریخ سیاسی پارت، ترجمه علی اصغر حکمت، چاپ دوم، تهران، علمی و فرهنگی.
- دیاکونف، م.م (۱۳۵۱)، اشکانیان، ترجمه کریم کشاورز، چاپ دوم، تهران، انتشارات پیام.
- زرین کوب، روزبه و فرشید نادری (۱۳۹۳)، «اشکانیان و سنت‌های کهن ایرانی: پای بندی یا عدم تقید اشکانیان به سنت‌ها و موارث فرهنگ ایرانی»، جستارهای تاریخی، پژوهشگاه علوم انسانی مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره دوم، پائیز و زمستان، صص ۴۱-۶۳.

- سرخوش کرتیس، وستا (۱۳۹۲الف)، «تجدید حیات ایرانی در دوره پارتیان»، در: شاهنشاهی اشکانیان، ویراسته وستا سرخوش کرتیس و سارا استوارت، ترجمه مانی صالحی علامه، چاپ اول، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه، صص ۵۱-۲۷.
- سرخوش کرتیس، وستا (۱۳۹۲ب)، «لباس و پوشش سر در دوره اشکانی»، در: امپراتوری اشکانی و اسناد و منابع آن، گردآوری یوزف ویزهوفر، ترجمه فرید جواهرکلام، چاپ اول، تهران، نشر و پژوهش فرزانه‌روز، صص ۹۵-۷۵.
- سلوود، دیوید (۱۳۸۰)، «سکه‌های پارتی»، در: تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، (جلد ۳ قسمت اول)، گردآوری احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر، صص ۳۸۱-۴۰۱.
- شکوری فر، ملیحه. سیروس نصرالله‌زاده (۱۳۹۵)، «پیگیری سنت‌های ایرانی در سکه‌های اشکانی»، جستارهای تاریخی، سال هفتم، شماره اول، بهار و تابستان، صص ۲۱-۴۵.
- شهبازی، علیرضا شاپور (۱۳۷۵)، «ارتش در ایران باستان»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال دهم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۷۵، صص ۳۶-۲۲.
- شپیمان، کلاوس (۱۳۸۴)، مبانی تاریخ ساسانیان، ترجمه کیکاوس جهانمندی، چاپ اول، تهران، فرزانه‌روز.
- شپیمان، کلاوس (۱۳۸۶)، مبانی تاریخ پارتیان، ترجمه هوشنگ صادقی، چاپ دوم، تهران: فرزانه‌روز.
- طبری، علی (۱۳۸۵)، «پارتیان و ساسانیان؛ رقیبان قدرتمند»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شهریور و مهر ۱۳۸۵، شماره ۱۰۷ و ۱۰۸، صص ۵۳-۵۵.
- فرای، ریچارد نلسون (۱۳۸۲)، تاریخ باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- فرای، ریچارد. ن (۱۳۷۷)، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، علمی و فرهنگی.
- فولتس، ریچارد (۱۳۹۶)، دین‌های ایران باستان، برگردان امیر زمانی، چاپ اول، تهران، دیبایه.
- فون‌گال، هوبرتوس (۱۳۹۲)، «معماری و پیکرتراشی در عهد پارتیان»، در: امپراتوری اشکانی و اسناد و منابع آن، گردآوری یوزف ویزهوفر، ترجمه هوشنگ صادقی، چاپ اول، تهران، نشر و پژوهش فرزانه‌روز، صص ۱۲۲-۹۷.
- کالیبری، پیر. فرانچسکو (۱۳۹۴)، «دین در دوره سلوکی و اشکانی»، ترجمه اسفندیار طاهری، در: تاریخ جامع ایران، جلد چهارم، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، سرویراستاران: حسن رضائی

کتاب مبانی تاریخ پارتیان در بوته نقد (فرشید نادری) ۴۰۱

باغبیدی و محمود جعفری دهقی، چاپ دوم، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، صص ۴۸۱-۴۲۷.

کوامی، تروودی (۱۳۹۲)، هنر یادمانی ایران در دوره اشکانی، ترجمه یعقوب محمدی فر و علیرضا خونانی، چاپ اول، همدان، انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.

کولپه، (۱۳۸۰)، «سیر اندیشه دینی؛ دوره پارتی»، در: تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، (جلد ۳ قسمت دوم)، گردآوری احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، چاپ دوم، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، صص ۲۸۱-۲۵۶.

کیان‌راد، خسرو (۱۳۹۶)، بازرگانی در روزگار اشکانیان، چاپ اول، تهران، بازرگانی. گروه نویسندگان (۱۳۹۲)، امپراتوری اشکانی و اسناد و منابع آن، گردآوری یوزف ویزهوفر، گروه مترجمان، چاپ اول، تهران، فرزانه روز.

گیمین دوشن، ژاک (۱۳۷۵)، دین ایران باستان، ترجمه رویا منجم، چاپ اول، تهران، فکر روز. لوکونین، ولادیمیر (۱۳۸۰)، «نهادهای سیاسی، اجتماعی و اداری، مالیاتها و داد و ستد» در: تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، (جلد ۳ قسمت دوم)، پژوهش دانشگاه کیمبریج، گردآوری احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، چاپ دوم، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، صص ۱۴۹-۷۱.

موسوی، محمود (۱۳۹۴)، «هنر و معماری اشکانی»، در: تاریخ جامع ایران، جلد چهارم، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، سرویراستاران: حسن رضائی باغبیدی و محمود جعفری دهقی، چاپ دوم، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، صص ۱۲۷-۱۰۱.

نادری، فرشید (الف ۱۳۹۷)، «مبانی و ریشه‌های مشروعیت شاه در دوره اشکانی»، فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، سال بیست و هشتم، دوره جدید، شماره ۳۹، پیاپی ۱۲۹، پاییز ۱۳۹۷، صص ۱۳۱-۱۰۷.

نادری، فرشید (ب ۱۳۹۷)، «بررسی و نقد نوشته‌های یوزف ولسکی درباره تاریخ و فرهنگ ایران اشکانی»، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ماهنامه علمی-پژوهشی، سال هجدهم، شماره دهم، دی ۱۳۹۷، صص ۲۹۰-۲۷۱.

واندنبرگ، لویی و کلاوس شیپمان (۱۳۸۶)، نقوش برجسته منطقه الیمایی در دوران اشکانی، ترجمه یعقوب محمدی فر و آزاده محبت‌خو، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.

ولسکی، ژوزف (۱۳۸۸)، «اشکانیان و ساسانیان»، در: نوشته‌هایی در باب تاریخ و فرهنگ اشکانیان، گردآورنده فرانتس آلتهایم، ترجمه هوشنگ صادقی، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری، صص ۱۹۷-۱۸۷.

ولسکی، یوزف (۱۳۸۳)، شاهنشاهی اشکانی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، چاپ اول، تهران: ققنوس.
ویدن‌گرن، گئو (۱۳۸۰)، «منابع تاریخ پارتیان و ساسانیان»، در: تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی
دولت ساسانیان، (ج. ۳ قسمت دوم)، پژوهش دانشگاه کیمبریج، گردآوری احسان یارشاطر،
ترجمه حسن انوشه، چاپ دوم، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، صص ۸۸۴-۸۷۳.
ویسهوفر، یوزف (۱۳۸۵)، ایران باستان از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد، ترجمه
مرتضی ثاقب‌فر، چاپ هشتم، تهران، انتشارات ققنوس.
یارشاطر، احسان (۱۳۸۰)، «تاریخ ملی ایران»، در: تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت
ساسانیان، (جلد ۳ قسمت اول)، پژوهش دانشگاه کیمبریج، گردآوری احسان یارشاطر، ترجمه
حسن انوشه، چاپ دوم، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، صص ۵۹۳-۴۷۱.

plini, (1961), *Natural History*, translated by H. Rackham, Cambridge, Massachusetts, Harvard university press.

Wagner, Jörg (1983), "Klaus Schippmann, Grundzüge der Parthischen Geschichte, Darmstadt, Wissenschaftliche Buchgesellschaft, 1980, 132 S. karte (Grundzüge 39) (review)", *Die welt des orientis*, Bd. 14 (1983). Pp. 250-255, published by Vandenhoeck & Ruprecht.

Widengren, Von. Geo (1987), "Erwägungen zur parthischen Geschichte", *OLZ*, Band 82. Jahrgang 1987, Nr 5, pp. 437-444.